پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۸، بهار و تابستان ۱۴۰۰
صص ۱۶۶ـ۱۳۹ (مقاله پژوهشی)

No. 28, Spring & Saummer 2021

آسیب‌شناسی دنیازدگی مدیران و شاخصه‌های آن در حوزه اقتصاد، در اندیشه و سیره امام علی (ع) با محوریت نهج‌البلاغه

صابر صفی‌لو[۱]، محمدحسین صائینی[۲]، حیدر حسن‌لو[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۸/۴ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۱/۲)

چکیده

شرایط و مقتضیات سیاسی – اجتماعی هر عصری ایجاب می‌نماید تا اندیشمندان جامعه، در صدد پاسخگویی به مسائل و مشکلات زمانه خود برآیند. شرایط عصر حکومت علوی، اقتضا نمود تا امام (ع) اندیشه‌های مدیریتی را به حسب نیاز جامعه، تبیین نماید. آن حضرت در سخت‌ترین شرایط سیاسی عصر خود، به درمان یکی از مهم‌ترین بحران‌های حکومتی یعنی دنیازدگی مدیران، توجه خاصّی نمود؛ چرا که در آموزه‌های دینی، دنیازدگی سرمنشأ هر انحراف و کلید هر گناهی است. فهم اندیشه‌های علوی، چارچوبی نظری و کاربردی ارائه می‌دهد که به کمک آن می‌توان جامعه بحران‌زده را خواه در زمینه سیاست، اقتصاد، اجتماع، تربیت و اخلاق نجات داد. روش مطالعه در این پژوهش، توصیفی – تحلیلی بر اساس رویکرد کتابخانه‌ای بوده است. در این پژوهش، تنها متغیّر تأثیرگذار بر تمام حوزه‌های مختلف جامعه یعنی؛ دنیازدگی مدیران و شاخصه‌های اصلی آن در حوزه اقتصاد از جمله؛ تجمّل‌گرائی، رشوه‌خواری و اختلاس از منظر نهج‌البلاغه و با استفاده از یک الگو و مدل اندیشه سیاسی، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر اساس بررسی‌های انجام شده، می‌توان به این نتیجه رسید که دنیازدگی مدیران، از یک سو مؤلفه‌های رشد و توسعه اقتصادی و رفاه عمومی را در معرض خطر قرار می‌دهد و از سوی دیگر بستر لازم برای رشد معنوی و سعادت ابدی انسان را نیز، دچار مشکل می‌کند.

کلید واژه‌ها: نهج‌البلاغه، دنیازدگی، اقتصاد، مدیریت، آسیب‌شناسی، مدیران.

---

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. sabersafiloo@gmail.com

۲. استادیار، گروه عرفان اسلامی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. (نویسنده مسئول)؛ mhsaieni@gmail.com

۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. Nastuh49@yahoo.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

۱- مقدمه و بیان مسأله

دنیاطلبی، هر چند عنوان عامی است که دوستی جـاه و مقـام و قـدرت‌طلبـی و دیگـر انگیزه‌های ناپسند نفسانی را شامل می‌شود؛ امّا آن چـه در ایـن پـژوهش مـد نظـر اسـت، گرایش افراطی به دنیا و زراندوزی است. دنیازدگی در تعالیم اسلامی، از اعظـم معاصـی و سرچشمه مفاسد زیادی برای عموم مردم، به خصوص برای مدیران و کارگزاران بـه خـاطر نقش الگویی آنان در جامعه است: «حُبُّ الدُّنْیَا رَأْسُ کُلِّ خَطِیئَةٍ» (فتال نیشابوری، ۴۴۱/۲). امام علی(ع) در زمانی حکومت را در دست گرفت که آرمان‌های حکومت اسلامی از جمله زهد و ساده زیستی کارگزاران و مبارزه با فساد مالی، رخت بربسـته و جـای خـود را بـه انباشت ثروت‌های کلان و هنگفت داده بود! به همین دلیل، امام علی (ع) برای بازگردانـدن جامعه به مسیر اصلی، توجه خاص به دنیازدگی مدیران داشـته و بـارهـا در نهـج‌البلاغـه، گرفتار شدن آنان را در دام دنیاطلبی، هشدار داده است: «إتَّقِ اللهَ فی کُـلِّ صَـباحٍ وَ مَسـاءٍ، وَخَف عَلی نَفسِکَ الدُّنیا الغَرورَ» (سیدرضی، نامه، ۵۶). با تأمّل در نامـه‌هـای امـام (ع) بـه فرمانداران، این گونه برداشت می‌شود که سرآغاز انحرافات مختلـف کـارگزاران جامعـه از جمله؛ ظلم و ستم، رواج بی‌عدالتی، فساد سیاسی، غارت امـوال بیـت‌المـال و بسـیاری از انحرافات دیگر، از دنیازدگی نشأت می‌گیرد (همو، نامه۳، نامه ۲۰، نامه ۲۱ و ...). در ایـن پژوهش، این رذیله اخلاقی مدیران و شاخصه‌های اصلی و اثرگـذار آن بـر حـوزه اقتصـاد جامعه یعنی؛ تجمّل‌گرایی افراطی، رشوه‌خواری و اختلاس از بیت‌المال، براساس اندیشـه و سیره امیرالمؤمنین(ع) با تأکید بر نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار گرفتـه و عوامـل پیـدایش و راه‌های درمان آنها نیز، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

برای تدوین چارچوب نظری پژوهش، از یک الگو و مدلی که اندیشـمندان سیاسـی[۱] و عالمان دینی[۲] که به مسائل سیاسی نیز توجّه ویژه داشته‌اند استفاده شده است. تقریبـاً اکثـر نظریه‌پردازان سیاسی معتقدند که عمل به فرامین آن‌ها در حوزه سیاست، اوضاع جامعـه را

۱. نکـ : اسپریگنز، توماس. (۱۳۸۲). فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجائی.
۲. نکـ : نراقی، احمد. (۱۳۸۴). معراج السعاده.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

بهبود می‌بخشد و کشمکش‌ها و محرومیت‌های اجتماعی را از میان برمی‌دارد و نظام سیاسی موزون و رضایت‌بخشی را برقرار می‌کند؛ لذا اکثر نظریه‌پردازان در زمانی آثار خود را نگاشته‌اند که جداً احساس می‌کردند جامعه‌شان از لحاظ حکومتی دچار بحران است. بنابراین اندیشمندان سیاسی در پی یافتن علل بی‌نظمی‌ها و مشکلات و بحران های جامعه خود هستند تا با تبیین وضع موجود و ارائه راه‌حل برای بحران به وجود آمده، به مدیران کمک نمایند تا به جامعه آرمانی خود برسند. بر این اساس می‌توان مدل و الگویی را شبیه مدل اندیشه سیاسی اندیشمندان، به شرح ذیل تدوین نمود:



نمودار ۱: مدل و الگوی اندیشمندان جهت حل بحران

در این پژوهش قصد بر این است که براساس مدل پیشنهاد شده، ساختار و مراحل اندیشه سیاسی- اقتصادی حضرت امیر(ع) را با استناد به نهج‌البلاغه در مسأله دنیازدگی مدیران و شاخصه‌های اصلی آن در حوزه اقتصاد تبیین نماییم. به این صورت که آن چه در زمان حکومت علوی به عنوان مهمترین بحران تلقی می‌شده و امام (ع) در نهج البلاغه به آن پرداخته‌اند چه بوده و علل و ریشه‌های این بحران سیاسی- اقتصادی چه چیزهایی بوده و در مرحله آخر، امام(ع) برای نجات جامعه بحران زده چه راهکارهایی را ترسیم فرموده‌اند؟ از آنجا که دنیازدگی، تأثیر زیادی در به هم زدن معادلات زندگی مادی و معنوی مردم دارد؛ لذا آسیب‌شناسی و ارائه راهکار جهت برون رفت از این رفتار نابهنجار مدیران، جهت حفظ معیشت و ایمان مردم از دیدگاه امام‌علی(ع) به عنوان امام و آگاه از سعادت و شقاوت انسان‌ها ضروری به نظر می‌رسد.[۱]

۱. در ارتباط با دنیا و دنیازدگی، به صورت عمومی و کلی می‌توان به مقالات زیادی اشاره نمود؛ امّا در ارتباط با آسیب‌شناسی دنیازدگی مدیران، کتاب، پایان‌نامه یا مقاله‌ای به طور مستقل، تدوین نگشته و باید این مسئله را در←

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

۲- دنیازدگی مدیران، مهمترین بحران در جامعه

از شروط اساسی مدیریت بر جامعه اسلامی، بر اساس اندیشه علوی، پاک بودن مدیران از خصلت‌های ناپسند است، و همین صفات و خصلت‌های ناپسند از جمله؛ خودخـواهی و خودمحوری، ستمگری، جاه طلبی و ریاست طلبی و ده‌ها مورد دیگر، ریشه در دنیازدگـی دارد که در آیات قرآن کریم و در آموزه‌های نبوی و علوی، به شدت از آن نهی شده است. قرآن کریم، دنیازدگی را امری خلاف فطرت کمال‌خواهی انسـان مـی‌دانـد؛ چـرا کـه دنیـا، کالایی بی‌ثبات و ناپایدار است و دل بستن به اموری ناپایدار، بر خلاف فطرت کمال‌خواهی انسان است (الانفال، ۶۷). در اندیشه نبوی نیز که در راستای مفاهیم بلند قرآنی است، دنیـا و هر چه در آن است ملعون است؛ مگر آن‌چه که به واسطه آن، خشنودی خدا طلـب شـود (متقی هندی، ۶۰۸۸/۳). حضرت امیر(ع) نیز، بارهـا از دنیـازگی هشـدار داده اسـت کـه دنیازدگی، منشأ تباهی دین و رأس فتنه‌هـا در جامعـه اسـت (آمـدی، ۲۲۹/۱). حضـرت امیر(ع) مکرراً به کارگزاران خود توصیه می‌کردند که روحیه تکاثر نداشته؛ چرا که روحیـه تکاثر و جمع مال داشتن، زمینه سقوط و انحطاط دولت و حکومـت را بـه دنبـال خواهـد داشت (سیدرضی، نامه، ۵۳). از منظر امام علی(ع)، دنیا به دنیای ممدوح و مـذموم تقسـیم

←لابه‌لای کتاب‌های اخلاقی جستجو نمود. ولی می‌توان به پایان‌نامه‌ها یا مقالات چندی شبیه بـه ایـن عنـوان اشـاره نمود: از جمله؛ مقاله شریفی، محمد و فائق، مجتبی (۱۳۹۵) چاپ شده در مجلـه پژوهشـنامه نهـج البلاغـه بـا عنـوان: «آسیب‌شناسی اخلاقی کارگزاران حکومت دینی در نهج البلاغه» که برگرفته از رساله می باشد که در ایـن مقالـه چهـار آسیب دنیادوستی، تکبّر، خشونت و ستمگری مورد بررسی قرار گرفته، و علل پیدایش آن‌ها و راهکارهای پیشـگیری و مبارزه با چنین آسیب‌هایی بیان شده است. پژوهش حاضر، تقریبا از لحاظ ساختاری با این مقاله، هم راستا بـوده ولـی از لحاظ محتوایی، تفاوت معناداری با آن دارد و هم چنین یک پایان‌نامه نیز بـا عنـوان: «آسـیب‌شناسـی دنیـازدگی از دیدگاه نهج‌البلاغه» نوشته زینب ریاض عبدالصاحب (۱۳۹۰) به صورت کلی تدوین گشته که ایشان در این پژوهش بـه توصیف دنیای ممدوح و دنیای مذموم پرداخته و عوامل دنیازدگی و آسیب‌هـای آن را در انسـان‌هـا بیـان داشـته و در خاتمه راه‌های درمان دنیازدگی را نیز مورد بررسی قرار داده است و یـک پژوهشـی دیگـر در ایـن زمینـه بـا عنـوان: «آسیب‌شناسی اخلاق اقتصادی در اندیشه و سیره امـام علـی (ع)» نوشـته پهلـوان‌فـر (۱۳۹۵) کـه در پـژوهش خـود، آسیب‌های اقتصادی جامعه در مرحله تولید، توزیع و مصرف از منظـر امـام(ع) را مـورد تجزیـه و تحلیـل قـرار داده و ریشه‌های آسیب‌های اخلاق اقتصادی و راهکارهای رفع آن‌ها را نیز، در هر سه مورد بیان نموده اسـت. پـژوهش‌هـای انجام گرفته، هم در ساختار و هم در محتوا با پژوهش حاضر تفاوت زیادی دارد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

شده است. در منطق اسلام، هیچ گاه دنیا به طور کامل دنیای مذموم نیست؛ چرا که از همین دنیا باید خوشه برچید و در آخرت استفاده نمود و به تعبیر پیامبر اسلام(ص): «اَلدُّنیا مَزرَعَةُ الآخِرَة» (ابن ابی جمهور، ۲۶۷/۱ و دیلمی، ۸۹/۱). در اندیشه حضرت امیر(ع) دنیا میدانی است که انسان می‌تواند آن را به منشأ خیر یا شرّ تبدیل کند که خیر دنیا و یا شرّ آن به موضع‌گیری انسان در برابر آن بستگی دارد (سیدرضی، حکمت، ۱۳۱ و خطبه، ۴۵). آن‌چه در اندیشه امام(ع)، دنیای مذموم از آن یاد می‌شود دلبستگی انسان به آن و نگاه استقلالی است و نه ابزاری برای توشه چیدن. و شاید تنها مسئله‌ای که در نهج‌البلاغه بیشتر موارد را به خود اختصاص می‌دهد مسئله دنیا و ویژگی‌ها و اوصاف آن باشد و این به خاطر آن است که دنیادوستی و دنیازدگی، آثار و پیامدهای نامطلوب و زیانباری را دارد. لذا خطرناک‌ترین پدیده در یک حکومت دینی، تعلق مدیران به دنیاست؛ چرا که منشأ ستمگری‌ها و چپاول بیت‌المال است، و امکان ندارد مدیری که وابستگی افراطی به دنیا دارد به سوی کمال سیر کند و دیگران را نیز به دنبال خود بکشاند و در عین دنیادوستی، عدالت را نیز برپا کند؛ چرا که این دو باهم سازگاری ندارند و به بیان امام‌علی(ع) دنیا و آخرت به مانند دو دشمن متفاوت و دو راه جدای از یکدیگرند، پس کسی که دنیاپرست باشد و به آن عشق ورزد، به آخرت کینه ورزد و با آن دشمنی خواهد کرد (همو، حکمت، ۱۰۳). در اندیشه سیاسی امام(ع)، کسانی که آلوده به دنیا و خصلت‌های ناپسند زائیده از آن باشند، در امر مدیریتی، توان اجرای حق و عدالت را نخواهند داشت، چنانکه فرموده است: «فرمان خدا را برپا ندارد جز آن کس که در اجرای حق مدارا نکند و به روش اهل باطل عمل نکند و در پی طمع‌ها نرود» (همو، حکمت، ۱۱۰). دنیادوستی در صورت‌های گوناگون جلوه می‌نماید و هیچ چیز مانند آن، مدیران جامعه را به تباهی نمی‌کشاند و سلامت جامعه را به خطر نمی‌اندازد و خطرناک‌ترین جلوه آن در حکومت دینی، این است که دین در پای دنیای آنان قربانی می‌گردد. حضرت امیر(ع) در عهده نامه مالک اشتر، درباره حکومت‌هایی که دین را وسیله مقاصد دنیوی خود کرده بودند چنین می‌فرماید: «[ای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

مالک] در دستوراتی که دادم نیک بنگر که همانا این دین در دست بدکاران اسیر گشته بود، که با نام دین به هواپرستی پرداخته و دنیای خود را به دست می‌آوردند» (همو، نامـه، ۵۳). این جمله امام(ع)، کنایه از این است که زمامداران جامعه اسلامی قبل از به دسـت گـرفتن حکومت از جانب ایشان، هم خود و هم اطرافیانشان که بر ممالک اسلامی حکم می‌راندند، دین را بازیچه خود کرده بودند؛ لذا یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های حکومت علـوی، تـلاش برای بازگرداندن مسیر انحرافی به ارث گذاشته شده بـه ریـل اصـلی آمـوزه‌هـای نبـوی و مبارزه بی‌امان با فساد مدیران بود؛ چرا که امام(ع) می‌دانست که فساد آنان و بـه خصـوص دنیازدگی، چه پیامدهای سنگینی را یر جامعه و به خصوص دین و ایمان مردم دارد!

۲-۱. علل و انگیزه‌های دنیازدگی

با نگاهی به نهج‌البلاغه، می‌توان علل و اسباب دنیازدگی را در اندیشه علـوی، فقـط از بعد درونی بررسی نمود؛ چرا که عامل بیرونی مربوط به نعمت‌های دنیوی است کـه ناچـار باید از آن‌ها استفاده نماید؛ ولی باید مواظب باشد که در استفاده از مواهب دنیا، حد اعتدال را داشته باشد: «**كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا**» (الاعراف، ۳۱). امّا از بعد درونـی، اولـین عامـل آن، حرص و طمع به مال دنیاست که هر چه در انسان قوّت بگیرد سبب اقبال بیشتر او بـه دنیا می‌شود؛ اگر چه پا به پیری نیز بگذارد،که به فرمایش رسول اکرم (ص): «يَهْرَمُ ابْـنُ آدَمَ وَ يَشِبُّ فِيهِ اثْنَتَانِ الْحِرْصُ وَ طُولُ الْأَمَل» (ورّام، ۱۶۳/۱). در تعالیم علوی، حـرص و طمـع باعث غرق شدن انسان در دنیای حرام می‌شود و هر اندازه در ایـن راه قـدم گـذارد آتـش عشق او به دنیا تندتر می‌شود و از آن چه به دست آورده راضی و بـی‌نیـاز هـم نمـی‌شـود (سیدرضی، نامه، ۴۹). و نتیجه آن می‌شود که اندیشه و عقل مدیر، که باید حق را از باطـل و نیک را از بد بشناسد، در تیغ طمع، قربانی می‌شود: «أَكْثَـرُ مَصـارِعِ العُقـولِ تَحـتَ بُـروقِ المَطامِعِ» (سیدرضی، حکمت، ۲۱۹). دومین عامل که می‌توان در کلام حضرت امیر (ع) بـه آن اشاره نمود، فراموشی هدف از آفرینش است که می‌تواند انسان را بـه سـوی دنیـازدگی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

سوق دهد؛ چرا که او دنیا را ایستگاه اول و آخر می‌داند و ایستگاه آخرت را به دست فراموشی سپرده است. بر اساس آموزه‌های علوی، انسان برای چند روز دنیا و عبث آفریده نشده است؛ بلکه هدف از آفرینش انسان رسیدن به کمال وتعالی است. امام‌علی(ع) در هدفداری آفرینش انسان و ضرورت تقوا چنین می‌فرماید: «ای مردم! از خدا بترسید، هیچ کس بیهوده آفریده نشد تا به بازی بپردازد، و او را به حال خود نگذاشته‌اند تا خود را سرگرم کارهای بی ارزش نماید، و دنیایی که در دیده‌ها زیباست، جایگزین آخرتی نشود که آن را زشت می‌انگارند» (سیدرضی، حکمت، ۳۷۰). در اندیشه علوی، انسانی که هدف از زندگی در این دنیا را بداند و اعتقاد به ایستگاه آخرت نیز داشته باشد، هرگز دلبستگی به لهو و لعب دنیا را پیدا نمی‌کند. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، در نامه خود به فرزندش امام حسن(ع)، ایشان را هشدار می‌دهد که مبادا دلبستگی فراوان دنیاپرستان و تهاجم حریصانه آنان به دنیا، تو را مغرور و فریفته سازد (سیدرضی، نامه،۳۱). از این کلام امام(ع) برداشت می‌شود که یکی دیگر از علل روی‌آوری مردم به دنیاپرستی، عامل اجتماعی است. وقتی که انسان، عده‌ای را می‌بیند که در به دست آوردن دنیا، از هیچ کوششی ولو به باطل دریغ نمی‌کنند و به این وسیله برای خود، وسایل چشم پرکن مهیا می‌کنند و به ظاهر، در اجتماع اسم و رسمی پیدا می‌کنند همین، عاملی می‌شود که دیگران نیز، فریفته دنیا و تجملات آن شوند. امام (ع)، علت فریفته نشدن به دنیا را دو عامل می‌داند؛ یکی این که خدای متعال او را از حالات دنیا آگاه کرده است و دوم این که دنیا نیز از وضع خود او را باخبر ساخته است (سیدرضی، نامه،۳۱). با تأمل در این بخش از نامه نیز می‌توان به علت دیگری از علل دنیازدگی پی برد و آن عدم شناخت از دنیا و ویژگی‌های آن است. آنانی که شناختی از دنیا و اوصاف آن ندارند به زودی مجذوب زرق و برق نیا می‌شوند، که به بیان حضرت امیر(ع)، میزان کمی از معرفت و شناخت (نسبت به دنیا و آخرت) موجب بی‌رغبتی نسبت به دنیا خواهد شد (آمدی، ۶۳/۱). دنیا به فرمایش حضرت امیر (ع)، سرایی بس فریبنده و مکار است، که هر روزی شوهری می‌کند و هر شبی خانواده‌ای را می‌کشد و هر دم و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

ساعتی جمعی را از هم می‌پراکند (محمودی، ۱۵۳/۳). و کسی که دنیا را این گونه بشناسد که خانه نابود شدن است که زنده را با تیر مرگ، هدف قرار می‌دهد و تندرست را با بیماری از پا در می‌آورد، و دنیا خورنده‌ای است که سیری ندارد، و نوشنده‌ای است که سیراب نمی‌شود، و نشانه رنج دنیا آن که آدمی جمع‌آوری می‌کند آن چه را که نمی‌خورد و می‌سازد بنایی را که در آن مسکن نمی‌گزیند (سیدرضی، خطبه، ۱۱۴). با چنین شناختی از دنیا، هرگز حاضر نمی‌شود دل به دنیا بسپارد؛ لذا با نگاهی تأمّل برانگیز بر حالات دنیا و تغییرات آن، انسان را از مجذوب شدن به زرق و برق آن باز می‌دارد.

۲-۲. زهد، از آرمان‌های حکومت در جامعه

به عقیده اکثر علمای اخلاق و دانشمندان اسلامی، ریشه اکثر مفاسد اخلاقی و اجتماعی از حب افراطی به دنیا نشأت می‌گیرد و تا این پدیده اجتماعی علاج نگردد انتظار جامعه سالم را نباید داشت. امام‌خمینی(ره) درباره این «أم الامراض» سخنی الهی دارد و می‌فرماید: بالجمله، علاج قطعی اکثر مفاسد به علاج حبّ دنیا و حبّ نفس است؛ زیرا که با علاج آن، نفس دارای سکونت و طمأنینه شود، و قلب آرامش پیدا کند، و قطع ریشه محبّت دنیا گرچه امر مشکلی است – خصوصاً در اوّل امر و ابتدای سلوک– ولی هر امر مشکلی با اقدام و تصمیم عزم، آسان شود (امام‌خمینی، ۲۵۳–۲۵۶).

در کتاب های لغت دو معنا را می توان برای زهد بیان نمود: یکی قلّت و و کم بودن (ابن فارس، ۳۰/۳ و راغب اصفهانی، ۳۸۴) و دیگری خلاف رغبت و به معنای اعراض از چیزی و ترک آن (جوهری، ۴۸۱/۲). و به نظر می‌رسد معنای اصلی زهد، قناعت به مقدار کم است که ابن فارس نیز به آن تأکید می‌کند. امّا در معنای اصطلاحی زهد می‌توان بیان نمود که: «زهد عبارت است از دل برداشتن از دنیا و آستین فشاردن بر آن، و اکتفا نمودن به قدر ضرورت از برای حفظ بدن (نراقی، ۲۸۶). در کلام حضرت امیر (ع) نیز، زهد به معنای بهره‌برداری به اندازه از دنیا و نخواستن بیش از نیاز است (خطبه/۴۵). زهد نیز به

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

مانند دنیا، فراوان در نهج البلاغه آمده است که امام (ع)، به عنوان آرمان اصلی حکومت علوی به آن می‌پردازد تا أمّ الفساد جامعه را به وسیله همین زهد درمان نماید. زهد کمالی است برای همه انسان‌ها و به خصوص مدیران جامعه، که سرمشق مردم هستند که با این عنصر می‌توان جامعه تحت فرمان خود را به سلامت رهبری نمود و در درد مردم شریک شد. البته زهد حقیقی هیچ مناسبتی با گوشه نشینی‌های راهبانه و ریاضت‌های جاهلانه وگریز از نعمت‌های دنیوی ندارد. باید معنای حقیقی زهد را در کلام امام (ع) مشاهده نمود که فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ! الزَّهَادَةُ قِصَرُ الْأَمَلِ، وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النِّعَمِ، وَ الْوَرَعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ» (سیدرضی، خطبه، ۸۱). ای مردم! زهد یعنی کوتاه کردن آرزو، و شکرگزاری در برابر نعمت‌ها، و پرهیز در برابر گناهان است. زهد در چنین معنایی و براساس چنین نگرشی به عالم مهمترین صفتی است که زمامداران را از فرو رفتن در چاه دنیا نگه می‌دارد و از خودکامگی و گردن فرازی دور می‌سازد. آن‌که بینشی درست به عالم و در نتیجه به قدرت و حکومت و مال و منال دنیا ندارد، بی‌گمان به دنیاپرستی و دنیاخواهی کشیده می‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۶۳).

با عنایت به آموزه‌های علوی در نهج‌البلاغه و در روایات معصومان(ع)، زهد علاج دنیازدگی مدیران دولتی است که در زندگی انسان و متولیان حکومتی، نقش اساسی را در سلامت فرد و جامعه دارد که می توان از دو بعد علمی و عملی آن را بررسی نمود:

الف) بعد علمی: زهد مدیران، به عنوان مهمترین آرمان در جامعه، یکی از فضایل اخلاقی است که در روایات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. امام علی(ع) در جاهای مختلف، همه انسان‌ها و به خصوص کارگزاران حکومتی را از دنیاطلبی برحذر داشته (سیدرضی، خطبه، ۱۱۱) و آن‌ها را به زهدگرایی سفارش نموده است (سیدرضی، حکمت، ۱۰۴). نهادینه شدن زهد در زندگی مدیران، آثار بنیادینی را در تمام حوزه‌های فردی و اجتماعی درپی دارد که یکی از مهمترین اثرات زهد در اندیشه علوی، همراهی و همدردی حاکم جامعه اسلامی با مردم است (خطبه/۲۰۹). امام علی(ع) در بیانی دیگر، زهد و عدم اسارت در چنگال دنیا را از مهمترین اخلاق انسان می‌داند که او را بر حفظ دینش یاری

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

می‌دهد: «إِنَّ مِن أعوَنِ الأَخلاقِ عَلَی الدّینِ، اَلزُّهدُ فی الدُّنیا» (هاشمی‌خوئی، ۱۸۲/۷). در اندیشه علوی و نبوی، اساساً زهد مدیران، شرط اساسی برای حکومت‌داری است که پیامبر رحمت(ص) یکی از صفات اصلی مدیران ارشد جامعه را زهد و بی‌رغبتی به دنیا معرفی می‌کند: «ما اتَّخذاللهُ نبیّاً إلّا زُهداً» (نوری طبرسی، ۳۳۳/۲). حضرت امیر(ع) نیز، زمانی که زهد را برای مردم توصیف می‌نمایند که به نظر می‌رسد مصداق اظهر آن مدیران جامعه باشند، چنین می‌فرمایند: تمام زهد در میان دو کلمه از قرآن خلاصه شده است آن جا که خداوند سبحان فرمود: لِکَیْلَا تَأْسَوْا عَلَی مَا فَاتَکُمْ وَلَا تَفْرَحُوا» (الحدید، ۲۳). تا هرگز بر آنچه از دست شما رفته، اندوه مخورید و بر آنچه دارید و به دست می‌آورید شاد نشوید (مجلسی، ۵۲/۷۰). اگر مدیران جامعه هنگام قبول مسئولیت فقط به این یک آیه قرآن توجه داشته باشند و در اندیشه خود حک نمایند، هیچ گاه دچار دنیازدگی نمی‌شوند و به حکومت خود به عنوان یک وظیفه الهی نگاه می‌کنند که به بیان امام‌علی(ع): «وَ إِنَّ عَمَلَکَ لَیْسَ لَکَ بِطُعْمَةٍ وَ لَکِنَّهُ فِی عُنُقِکَ أَمَانَةٌ» (ابن قتیبه، ۱۱۱/۱).

ب) بعد عملی: بررسی عملکرد انبیای الهی و عملکرد مولای متقیان(ع) در دوران زمامداریشان، بهترین راهنما برای جهت‌گیری مدیران و کارگزاران دولتی می‌باشد. امام علی(ع) درباره شیوه برخورد انبیای الهی با دنیا چنین می‌فرمایند: برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام (ص) را اطاعت نمایی... ، از پستان دنیا شیر نخورد، و از زیورهای آن فاصله گرفت. اگر می خواهی دومی را، موسی(ع) و زندگی او را توصیف کنم،... به خدا سوگند، جز قرص نانی که گرسنگی را برطرف سازد چیز دیگری نخواست، و اگر خواهی از عیسی بن مریم(ع) بگویم، که سنگ را بالش خود قرار می‌داد، لباس پشمی خشن بر تن می‌کرد و نان خشک می‌خورد(سیدرضی، خطبه، ۱۶۰). حضرت امیر(ع) کراراً کارگزاران خود را از دنیا دوستی بر حذر می‌داشتند و عقیده داشتند که آزادی از اشرافیت، در جهت خدمت بهتر به مردم است و خود نیز پیش قراول چنین اندیشه‌ای بود که در فرازی می‌فرماید: «همانا خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داده و بر من واجب کرده

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

است که در باره خودم (سلوک شخصی ام) و خوراک و نوشیدنی و پوشاکم مانند مردم ناتوان عمل کنم، تا اینکه ناتوان به سیره فقیرانه من تأسی کند و توانگر به وسیله ثروتش سرکشی و طغیان نکند». (کلینی، ۴۱۰/۱).حضرت امیر(ع) در تمام توصیه‌های اخلاقی، عمل خود را نیز گوشزد کرده و به کارگزاران یادآوری می‌کرد که باید پیرو امام خود باشند که او خود، عامل به فرایض و همه فرمان‌های خویش است، که امام باقر(ع) در خصوص شیوه حکومتی علی(ع) و عمل به فرایض الهی می‌فرماید: «و لَقَد وَلِیَ (علیٌّ) خَمسُ سنین، ما وَضَع آجرةً علی آجرةٍ و لا لِبْنةً علی لبنةٍ ولا قُطع قَطیعا ولا اَورثَ بیضاء ولا حَمرا» (مجلسی، ۳۲۲/۴۰). علی(ع) پنج سال زمامداری کرد و درآن مدت برای خود، آجری روی آجری ننهاد؛ خشتی را روی خشت نگذاشت، ساختمانی برای خود نساخت. گله گوسفندی تهیه نکرد و هیچ چیز از مال دنیا به ارث نگذاشت.

۳- شاخصه‌های اصلی دنیازدگی مدیران در حوزه اقتصاد

شاخصه‌ها یا علامات دنیازدگی مدیران جامعه را می‌توان در حوزه‌های مختلفی از جمله؛ در حوزه دینی (توحید، نبوت و معاد)، در حوزه فردی (زندگی و شخصیت) و در حوزه اجتماعی (اقتصاد، سیاست و فرهنگ) مورد بررسی قرار داد، ولی به نظر می‌رسد پرداختن به آسیب‌های اقتصادی مدیران و از شاخصه‌های اصلی دنیازدگی که با معیشت مردم در ارتباط می‌باشد از ضروریات باشد که در این زمینه می‌توان به سه پدیده شوم در محیط اداری، که جامعه را با بحران مواجه می‌سازند از جمله؛ تجمّل‌گرائی افراطی و تحصیل ثروت نامشروع از طریق سوءاستفاده‌های اقتصادی از مقام و موقعیت دولتی یعنی؛ رشوه‌خواری و اختلاس از بیت‌المال اشاره نمود:

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]



نمودار ۲: شاخصه‌های اصلی دنیازدگی مدیران

۳-۱. تجمّل‌گرایی افراطی، آفت مدیریت

تجمل‌گرایی در دیدگاه عرف، به معنای روی آوری بیش از حد به مادیات و گردآوری اشیا و لوازم غیرضرور و دل بستن به آن‌هاست به گونه‌ای که این عمل، به یک هدف برای انسان تبدیل شود. این نوع تجمّل‌گرایی نه تنها سفارش نشده، بلکه به دلیل پیامدهای ناخوشایند آن، از جمله گرفتار شدن در دام اسراف، نکوهش نیز شده است.تجمل‌گرائی مدیران، اثرات سوئی را در جامعه دارد که در صورت آلوده شدن به تجمّل‌گرایی و زندگی مرفّه، مردم نیز براساس فرمایش حضرت علی(ع) که: «اَلناسُ بِأُمرائِهِم اَشبَهُ مِنهُم بِآبائِهِم» (ابن‌شعبه‌حرانی، ۲۰۷). گرفتار روحیه تجمّل‌گرایی، دنیاطلبی و رفاه‌زدگی می‌شوند که عامل بسیاری از انحراف‌ها و ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی می‌شود. امام علی(ع) در دوران حکومت خود، در چهارده قرن قبل و پیش از همه، خطرناک بودن این آفت مدیریت را گوشزد نموده است. به عنوان نمونه، درباره پرهیز دادن کارگزاران از تجمّل‌گرائی، به یکی از کارگزاران خود که خانه باشکوهی ساخته بود به او فرمود: «أطلَعَتِ الوَرِقُ رُؤُسُها! إنَّ البِنَاءَ یَصِفُ لَکَ الغِنی» (سیدرضی، حکمت، ۳۵۵). سکّه‌های طلا و نقره سر برآورده و خود را آشکار ساختند همانا ساختمان مجلّل، بی‌نیازی و ثروتمندی تو را می‌رساند. از این کلام امام(ع) این‌گونه برداشت می‌شود که روحیه خدمتگزاری به مردم و همراهی و همدردی با قشر مستضعف جامعه با تجمّل‌گرائی مدیران و اسکان در خانه‌های مجلّل

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

سازگاری ندارد. این همه هشدار امام‌علی(ع) به کارگزاران حکومت، بـه خـاطر مسـؤولیت سنگین آنان در هدایت جامعه است، و آنان الگوی مردم هستند و عملکرد و رفتار آنـان در مردم تأثیر دارد، امّا مسأله افراد عادی در این موضوع، از مدیران جامعه جدا می‌باشد، ولی باید آنان نیز از خانه‌ها و مرکب‌های مجلل خود بـه نحـو مطلـوب و در راه رضـای خـدا استفاده نمایند. امام(ع) در فرازی از خطبه ۲۰۹ نهج البلاغه، روش استفاده صـحیح از دنیـا را موقعی که خانه بسیار مجلل و وسیع یکی از یاران خود به نام علاء بن زیاد را مـی‌بینـد چنین گوشزد می‌نماید: «[ای علاء] با این خانه وسیع در دنیا چه می‌کنـی در حـالی کـه در آخرت به آن نیازمندتری! آری! اگر بخواهی می‌توانی با همین خانه به آخـرت برسـی! در ایـن خانه وسیع مهمان را پذیرایی کنی، به خویشاوندان با نیکوکاری بپیوندی، و حقوقی که بـر گـردن توست، به صاحبان حق برسانی، پس آن گاه تو با همین خانه وسیع بـه آخـرت نیـز مـی‌تـوانی برسی». از این گفتار امام علی (ع) برمی‌آید، داشتن خانه وسیع برای افراد عادی، که اگر به نحـو مطلوب و در راه خدا استفاده نمایند مذموم نیسـت، آن‌چـه کـه مـورد تـوبیخ و سـرزنش قـرار می‌گیرد، تجمل‌پرستی کارگزاران حکومتی است کـه بـا ایـن کارشـان، در خـدمت بـه جامعـه، کوتاهی می‌نمایند و حکومت را به مـرز نـابودی مـی‌کشـانند. علمـای اخـلاق نیـز بـه اتفـاق، تجمل‌گرائی مدیران را فروپاشی نظام سیاسی دانسته‌اند، کـه در صـورت غـرق شـدن در نـاز و نعمت، عصبیت و دلیری آنان به سستی و زبونی تبدیل می‌گردد و به هر اندازه در ناز و نعمـت و تجمل خواهی فرورونـد به همان میزان به نابودی نزدیک‌تر می‌شوند (ابن خلدون، ۲۶۷).

۳-۱-۱. عوامل تأثیرگذار بر تجمّل‌گرائی

در آموزه‌های علوی، عوامل مختلف درونی و بیرونی در بروز ایـن آسـیب تـأثیرگـذار می‌باشند. از جنبه درونی، می‌توان به پیروی از هوی نفس و احساس عظمت و بزرگی و از جنبه بیرونی، به عملکرد نادرست حاکمان جامعه اشاره نمود:

الف) عوامل درونی: یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار درونی بر تجمل‌گرائـی کـارگزاران

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

جامعه، اسارت در هوی نفس و دنیاطلبی است. امام علی (ع) در نامه خود بـه شـریح بـن حارث، ضمن توبیخ ایشان در خرید خانهٔ گران قیمت، هـوی نفـس و دنیـازدگی را عامـل تجمّل‌گرائی می‌داند (سیدرضی، نامه، ۳). از دیگر علل و انگیزه‌های درونـی تجمّـل‌گرائـی مدیران جامعه، این است که آنان با داشتن انواع وسایل زرق و بـرق در زنـدگی، در خـود احساس عظمت و بزرگی می‌کنند و کمبود آن را نوعی حقارت در زندگی می‌دانند. مصداق بارز آن، زندگی حاکمان طول تاریخ از جمله قارون می‌باشـد کـه بـا راه انـدازی کـاروان، ثروت خود رابه رخ مردم کشید و به این وسیله، احساس بزرگی نمـوده و بـر مـردم فخـر فروخت (القصص، ۷۶-۷۹). خدای متعال در آیات ۱۵ و ۱۶سوره فجر به تبیین این نگرش می‌پردازد و می‌فرماید: وقتی به مال و ثروتی می‌رسند گمان می‌کنند که کرامت یافتـه‌انـد و اگر ثروت و مالی را از دست بدهند گمان می‌کننـد خـوار شـده‌انـد. ایـن دسـته از افـراد، همان‌گونه که مال و ثروت را نشانه کرامت و عزت و انسانیت می‌شمارند، نمایش ثـروت و مال را نیز نشانه بزرگواری و بزرگی خود می‌دانند و این‌گونه است کـه بـه نمـایش ثـروت خود می‌پردازند و با تجمل‌گرایی آن را به رخ دیگران می‌کشند.

ب) عامل بیرونی: حاکمان جامعه بـا رویکـرد نادرسـت سیاسـی و اقتصـادی، اجـازه استفاده از اموال عمومی نسبت به زیردستان خود را می‌دهند و خـود الگـویی بـرای اینـان می‌شوند که زمینهٔ تجمّل‌گرایی در مدیران جامعه فراهم می‌شود. در زمان حکومـت خلیفـه سوم، امتیاز دهی به اقوام و خویشان و خصوصاً کارگزاران خود، چراغ سـبزی بـرای آنـان شد که از اموال بیت‌المال برای خود خانه و کاشانهٔ آنچنانی فراهم سازند (سیدرضی، خطبه، ۳). و حتی خود نیز، قصری مرتفع به نام زوراء ساخت که خوراکی بسیار تهیه کرد و مـردم را به مهمانی دعوت نمود (ابن‌ابی‌الحدید، ۹۵/۱؛ ابن‌اثیر، ۱۶۲۲/۴). که با این اعمال، بنـای تجمّل‌گرایی را در اسلام گذاشت و دیگران نیز از او پیروی کردنـد. بـا توجّـه بـه تـاریخ و بررسی وضعیّت مالی خلیفه سوّم می‌توان به صحّت انتقادات امام‌علی(ع) پی برد که نه تنهـا در دوران حکومت خلیفه، بلکه بعد از آن نیز به خاطر فساد در رفتار شخصی عثمان و نیـز

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

در اطرفیان ایشان انتقاد می‌نمود (سیدرضی، خطبه، ۳ و نامه، ۲۸). سیره علوی در انتقـاد از حیف و میل بیت‌المال و تجمّل‌گرائی خلیفه سوّم، بهتـرین گـواه بـر ایـن اسـت کـه رفتـار نادرست حاکمان جامعه، بنای فساد و فریفته شدن به زرق و برق دنیا را در بـین مـردم بـه ارث می‌گذارند. در تاریخ آمده است زمانی که مردم به رفتار خلیفه در استفاده نادرسـت از بیت المال اعتراض نمودند خلیفه در جواب آن‌ها چنین گفت: «هذا مالُ اللهِ أعطیتُهُ مُن شِئتُ وَ أمنَعُهُ مَن شِئتُ...» (بلاذری، ۴/۳). این مال خداست، به هر کس که بخواهم می‌دهم و بـه هر کس که نخواهم نمی‌دهم، خداوند مخالف این مطلب را نابود کند. این جملـه خلیفـه، از آن مسائل انحرافی و بدعت‌گذار در جامعه شد که چنین تصوّری در جامعه القا کرد که مال، مال خداست و خلیفه هم از جانب خداست، و هر طور که بخواهد می‌توانـد در آن تصـرف نماید، و این بهانه‌ای در دست زمامداران حکومتی شد که تا می‌توانستند در انباشت ثـروت و بنای ساختمان‌های مجلل فرو گذار ننمودند.

۳-۱-۲. ساده زیستی، از آرمان های حکومت در جامعه

یکی از راه‌های خدمت صادقانه به مردم، دوری مدیران از تجمل‌گرایی است. در اندیشه علوی، مدیران باید مرزهای ساده زیستی را پاس بدارند و از سلوک سـاده زیسـتی بیـرون نروند تا بتوانند خدمتگزار مردم و امانتدار مسئولیت باشند؛ چرا که تجمل‌گرایـی و زنـدگی اشرافی، با روح عدالت و عدالت‌گرایی سازگاری ندارد.

با عنایت به آموزه‌های علوی در نهج‌البلاغه، سلوک سـاده‌زیسـتانه از لـوازم حکومـت علوی و به عنوان آرمان در هر جامعه‌ای است، فلسفه سلوک ساده‌زیستی مدیران جامعـه و دوری از تجمّل‌گرایی افراطی به منظور خدمت صادقانه به مردم است، و همچنین همراهی و همدردی با مردم ناتوان و فقیر جامعه، و بازداشتن توانگران از سرکشی و طغیانگری اسـت که پیشوای پارسایان، چنین سلوکی را برای زمامـداران واجـب و ضـروری دانسـته اسـت (سیدرضی، خطبه، ۲۰۹). مطالعه عملکرد پیشوای پارسایان نیز، مهمتـرین راهکـار عملـی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

برای مدیران جامعه است. انتخاب راه ساده‌زیستی توسط مدیران، به خاطر نقش هدایتی که دارند نقش مهمی را می‌تواند در جامعه داشته باشد. شیوه برخورد امام(ع) با استاندار بصره (همو، نامه، ۴۵) گویای این حقیقت است که امام(ع)، نه تنها خود، بلکه مواظب رفتار کارگزاران خود نیز بود که از مسیر ساده زیستی بیرون نروند. امام(ع) نمونه بارز این نقش و الگوی مدیران جامعه، می‌فرماید: «آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است. آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمؤمنین(ع) خوانند و در تلخی‌های روزگار با مردم شریک نباشم و در سختی‌های زندگی، الگوی آنان نگردم؟ آفریده نشده‌ام که غذاهای لذیذ و پاکیزه مرا سرگرم سازد» (همو، نامه، ۴۵). امام(ع) در تمام توصیه‌های اخلاقی، عمل خود را به کارگزاران گوشزد می‌کردند که باید پیرو امام خود باشند. آن حضرت، ساده‌زیستی را پیشه خود ساخته بود و دلیل این کار را هم، پرهیزکاری خود می‌دانست (همو، نامه، ۴۵). بنابراین انتخاب راه ساده زیستی از سوی مدیران، به خاطر نقش هدایتی داشتن در جامعه، صرفاً امری شخصی نیست، و باید در صورت قبول مسئولیت، این امر را به عنوان آرمان حکومتی بپذیرند.

۳-۲. رشوه‌خواری و اختلاس، آفت بزرگ در اجتماع

یکی دیگر از شاخصه‌های اصلی دنیازدگی کارگزاران حکومت و از بحران‌های اخلاقی در جامعه، آلوده شدن آنان به رشوه‌خواری است و این بلای عظیمی است که در هر زمان و در هر دولت و حکومت اسلامی و غیراسلامی رواج پیدا کرده است سرمایه اعتماد عمومی را از دولت و حکومت گرفته است. در معنای رشوه چنین گفته‌اند: «رشوه چیزی است که فرد به حاکم یا غیر او می‌دهد تا به نفع او حکم کند یا مطابق میلش عمل نماید و همین طور به وسیله آن حق به باطل تبدیل شود و یا باطل در مسیر خود ادامه یابد» (طریحی، ۱۸۴/۱). در روایات و آیات قرآن کریم، از واژه‌های «رشا، رشوه و سحت» استفاده شده است، تعبیری که قرآن کریم از رشوه و مال حرام دارد «سُحت» می‌باشد: «**أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ**»

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

(المائده، ۴۲). یعنی چیزی را که دینشان را از بین می‌برد می‌خورند. راغب در تعریف کلمه «سُحت» می‌نویسد: «سَحت و سُحت یعنی کار حرامی که باعث ننگ صاحب آن است گویا این‌که دین و شرافت او را می‌برد» (راغب اصفهانی، ۳۹۹). در تعالیم اسلامی از رشوه‌خواری، به شدت نهی شده است. در روایتی از پیامبر اسلام (ص)، هم رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و هم واسطه بین آن دو لعنت شده‌اند: «لَعَنَ اللهُ الرّاشی وَ المُرتشی وَ مَن بَینَهما یَمشی» (ابن‌ابی جمهور، ۲۶۶/۱). در اندیشه و سیره علوی نیز، بدترین غذاها، لقمه حرام است و بدترین ستم‌ها، ستمکاری به ناتوان است (سیدرضی، نامه، ۳۱). لذا در مسئله رشوه، فرد رشوه‌خوار هم لقمه حرام می‌خورد و هم حقی را باطل و باطلی را احیاء می‌نماید و بدین وسیله حقّ مظلومی را پایمال می‌نماید و مرتکب بدترین ستم‌ها می‌شود.

اختلاس و خیانت در اموال عمومی جامعه اسلامی نیز، از شاخصه‌ها و ثمرات تلخ دنیازدگی کارگزاران دولتی است که گسترش آن، نه تنها نارضایتی عموم مردم را در پی دارد؛ بلکه پایه‌های دولت و حکومت را نیز لرزان می‌نماید. اختلاس از ریشه خَلَس یَخلِسُ به معنای ربودن و کش رفتن است (جبران مسعود، ۷۵۴/۱). در آموزه‌های نبوی و علوی، به شدت از اختلاس و خیانت در بیت‌المال، نهی شده است. حضرت امیر (ع) وقتی که حکومت را در دست گرفتند، درباره عدّه‌ای از حاکمان غرق در دنیا و صاحبان نفوذ در جامعه زمان حکومت خلیفه سوّم، که با حرام‌خواری خو گرفته و تسلیم عدالت علوی نشدند، با تعبیری زیبا درباره آنان چنین فرمودند: «قَد صار حَرامُها عِند أقوامٍ بِمَنزِلَةِ السِّدرِ المَخضُودِ، و حَلالُها بَعیداً غَیرَ مَوجودٍ» (سیدرضی، خطبه، ۱۰۵). (کار به جایی رسید که) حرام دنیا در نظر گروهی همچون درخت سدر بی‌خار بود و حلالش دور دست و غیر موجود! تعبیر به «اَلسِّدرِ المَخضُودِ» (درخت سدر بی‌خار) اشاره به این است که نهی پروردگار و تحریم او همچون خارهایی است، در برابر لذّات نامشروع دنیا، ولی افراد بی‌تقوا و لاابالی، نواهی الهی را نادیده می‌گیرند و حرام نزد آن‌ها، همچون سدر بی‌خار (میوه بسیار شیرین و معطر) است (مکارم شیرازی، ۴۵۱/۴). مسئله رشوه و اختلاس، نه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

تنها در یک حکومت دینی عملی قبیح است و مورد مذمّت قرار گرفته؛ بلکه در کشورهای غیر اسلامی نیز، رواج چنین امری، نکوهیده است. نویسنده کتاب اخلاق در مدیریت در خصوص ارتشاء چنین می‌نویسد: «به‌طور قطع انجام پرداخت‌های خاص و داشتن نفوذ پنهانی مؤثر در تصمیم‌گیری‌ها، امری ناعادلانه محسوب می‌شود تمام نهادهای اخلاقی نیاز به تساوی را تأیید کرده و ارتکاب عمل ارتشاء را تقبیح می‌کنند و رشوه‌ها، مراحل و فرایندهای دولتی را تغییر می‌دهند و محصولات ناایمن، زندگی افراد را به مخاطره می‌افکنند» (هُس مر، ۱۹).

۳-۲-۱. عوامل مؤثر در رشوه‌خواری و اختلاس

با تأمل در آموزه های علوی، چند عامل مختلف درونی و برونی را می‌توان در رشوه‌خواری و اختلاس مدیران جامعه، تأثیرگذار دانست؛ از جنبه درونی می‌توان به ضعف ایمان به خدای یگانه و منفعت‌طلبی، هوی‌پرستی و ترس از دست دادن موقعیت سیاسی و از جنبه بیرونی به مشکلات اقتصادی مدیران و عدم نظارت بر عملکرد آنان اشاره نمود:

الف) جنبه درونی: اولین عامل تأثیرگذار در رشوه‌خواری، ضعف ایمان است. فقدان ایمان به خدا و روز حساب، و دوری از معنویت، اساس هر جرم و جنایت از جمله پایمال نمودن حقوق دیگران است. چنان‌که خدای متعال می‌فرماید: «برای کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، صفات زشت [و سیرت بد] است» (النحل، ۶۰). در اندیشه و سیره امام علی(ع)، ضعف ایمان به خدای متعال و حساب‌رسی روز قیامت، از عوامل آلودن شده مدیران به رشوه و خیانت در اموال عمومی است (نامه/ ۴۱). دومین عامل مهم و مؤثر دیگر در آلوده شدن به رشوه‌خواری، طمع به مال دنیاست. در اندیشه علوی، مدیر و کارگزاری که عزّت نفس و همّت عالی نداشته باشد اسیر طمع و آز دنیا می‌گردد و توسط ثروتمندان و رشوه‌دهندگان تطمیع می‌شود. به خاطر پیشگیری از همین مسئله، امام‌علی(ع) خطاب به مالک اشتر در خصوص سیمای قضات چنین دستوری می‌دهد: «وَلا تُشرِفُ نَفسُهُ عَلی طَمَعٍ» (سیدرضی، نامه، ۵۳) (قاضی) باید طمع را از دل ریشه‌کن نماید. و کسی که

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

طمع در او ریشه دواند نتیجه آن، خواری در دنیاست: «اَلطَّمَعُ یُذِلُّ الاَمیرَ» (خوانساری، ۲۷۴/۱). سوّمین عامل درونی مؤثر در این زمینه، می‌توان به افکار مدیران از این که ممکن است بعد از مدّتی این مقام و منصب را از دست بدهند اشاره کرد که سعی می‌کنند تا قبل از دست دادن میز و صندلی، جیب خود را از بیت‌المال پر نمایند. امام علی(ع) چنین مسئله‌ای را نیز، از عوامل مؤثر در خیانت به بیت‌المال می‌داند و خطاب به استاندار مصر می‌نویسد: «و تنگدستی کشاورزان، به جهت غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند» (سیدرضی، نامه، ۵۳).

ب) جنبه بیرونی: اولین عامل در این زمینه، مشکلات اقتصادی مدیران است. البته این موضوع دلیل منطقی برای آلوده شدن به پدیده شوم رشوه‌خواری و اختلاس نیست؛ چرا که شواهد در آن دوران و در عصر امروزی، نشان از رشوه و اختلاس چند میلیاردی را دارد؛ ولی برای این که حجت برای آنان تمام شود دولت وظیفه دارد تا آن جا که قانون اجازه می‌دهد معیشت کارکنان و مدیران جامعه و از جمله قضات را در نظر داشته باشد. حضرت امیر(ع) به این مسئله نیز به عنوان یکی از ارکان مدیریتی توجه ویژه داشت و در نظر ایشان، اگر نیازهای مادی کارکنان تأمین شود، حتی افراد نادرست نیز بهانه‌ای برای رشوه‌خواری و دزدی از بیت‌المال نخواهند داشت، چنان‌که در نامه تاریخی خود به مالک اشتر و پیشگیری از آلوده شده کارگزاران به خیانت، چنین توصیه‌ای دارد: «سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می کوشند و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند و اتمام حجتی است بر آنان و اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند» (سیدرضی، نامه، ۵۳). دومین عامل در رشوه‌خواری از جنبه بیرونی، عدم نظارت بر عملکرد مدیران است. نظارت بر رفتار و کردار و عملکرد مدیران جامعه از وظایف دولت می‌باشد و اگر در این زمینه کوتاهی صورت گیرد بعضی از مدیران ممکن است به انواع مفاسد اجتماعی دچار شوند، که حضرت امیر(ع)، نظارت و بازرسی از افراد تحت فرمان را از وظایف مسئولان جامعه می‌داند و خطاب به مالک اشتر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

می‌نویسد: «رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو و وفا پیشه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانتداری و مهربانی آنان با رعیّت خواهد بود» (سیدرضی، نامه، ۵۳).

۳-۲-۲. مبارزه با فساد، از آرمان های حکومت در جامعه

مروری بر تاریخ، این قضیه را به ثبوت می‌رساند که مبارزه با فساد اداری، از آرمان‌های حکومت علوی بوده است. ایشان، در دوران خلفای قبلی خود، هر جا فسادی را در حکومت می‌دید با جدّیّت از عملکرد آنان انتقاد می‌نمود (خطبه/۲ و خطبه/۳). حضرت امیر(ع) در نامه‌ها و دستورالعمل‌های خود به کارگزاران، به مسئله بیت‌المال بسیار توجه داشتند و در این زمینه سخت گیری شدیدی داشتند و در صورتی که خیانتی از آنها می‌دید آنها را از مسأله آگاه ساخته، خشم و ناراحتی خود را ابراز می‌کرد و به آنها گوشزد می‌کرد که تقسیم بیت‌المال به دست حاکم است و او در این مورد تفاوتی بین مردم قائل نیست؛ از جمله در نامه‌ای به مصقلهٔ بن هبیرهٔ شیبانی فرماندار اردشیر حره حاکم فیروزآباد، سوءاستفاده او از بیت‌المال را به شدت توبیخ می‌نماید (سیدرضی، نامه، ۴۳). رواج فساد مالی در دستگاه خلفا، به جایی رسیده بود، که امام(ع) در هنگام قبول مسئولیت، یکی از اهداف حکومت خود را بازگرداندن نشانه های حق و دین به جایگاه اصلی و اصلاح در سرزمین الهی دانست و بیان نمود که؛ ستمکار و رشوه‌خوار و... لیاقت رهبری جامعه مسلمین را ندارند، چرا که با این خصوصیات، حق مردم را غصب، و در اموال عمومی حیف و میل و و حقوق مردم را پایمال می‌کنند (همو، خطبه، ۱۳۱). از آن جا که این پدیده های شوم و ضد ارزش‌های اقتصادی، پیامدهای فردی واجتماعی زیادی را دارد، با تأمّل در آموزه‌های علوی، می‌توان از دو راهکار در این زمینه استفاده نمود:

۳-۲-۲-۱. راهکارهای پیشگیری

هر چند شواهد نشان می‌دهد به خاطر مخفی بودن مسئله رشوه‌خواری و اختلاس

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

نمی‌توان این پدیده‌های شوم را به طور کامل، ریشه‌کن کرد؛ امّا این امکان وجـود دارد کـه بتوان با ساز و کارهای بازدارنده تا حدودی این مسـئله را مهـار کـرد. لـذا در وهلـه اوّل، مهمترین وظیفه پیشگیری، برعهده دولت و حکومت است که با تصـویب قـوانین و اجـرای آن، راه را برای نفوذ فساد در بدنه دولت ببندنـد. ثانیـاً، بـا انتخـاب مـدیران و کـارگزاران شایسته و مؤمن و با تعهد و با تخصص، از این امر شوم رشوه‌خواری و اختلاس جلـوگیری نمایند. بر اساس رهنمودهای امام‌علی(ع)، انتخاب مدیرانی شایسته و امین برای پُسـت‌هـای حساس حکومتی، زمینه‌های آلوده‌شدن به فساد را خواهد بست. بسیاری از خیانـت‌هـا در بیت‌المال از آن جا ناشی می‌شود که مدیران نالایق بر اساس رابطه، بر پست‌هـای مـدیریتی تکیه می‌زنند؛ در حالی که در فرهنگ علوی، ضابطه و قانون در انتخـاب کـارگزار ایجـاب می‌کند که فضائل و اصالت‌های انسـانی، لیاقـت و تقـوای او مـورد توجـه قـرار گیـرد نـه سلیقه‌های شخصی و روابط خصوصی. به همین دلیل است که حضـرت امیـر(ع) از مالـک اشتر و سایر زمامداران اسلامی می‌خواهد که در انتخاب کارگزار، ملاک‌های اسـلامی را در نظر داشته باشند (سیدرضی، نامه، ۵۳). ثالثاً، رسیدگی بـه معیشـت کـارگزاران و نیازهـای مالی آنان، باعث می‌شود تا حدودی این مسئله کاهش پیدا کنـد. حضـرت امیـر (ع)، ایـن مسئله را با دقّت و باریک‌بینی شگرفی مطرح می‌نماید و رسیدگی به امور مادّی کـارگزاران حکومتی را یکی از ارکـان مهـم مـدیریتی و عامـل اساسـی در پیشـگیری از خیانـت در بیت‌المال و أخذ رشوه و پایمال کردن حـق مـردم مـی‌دانـد و خطـاب بـه اسـتاندار مصـر می‌فرماید: «سپس به ایشان حقوق کافی برسان؛ زیـرا ایـن کـار موجـب تقویـت نفسشـان می‌شود و آنان را از دست درازی به اموال زیردستان باز می‌دارد» (همانجا). جـرج جـرداق مسیحی، عملکرد امام(ع) در این زمینه را این‌گونه توصیف می‌نماید: «علی از دارایی دولـت به فرمانداران به آن مقدار می‌داد که نیازمندی آنان را برطرف سازد و آنان را از لغـزش در گرداب رشوه بازدارد، و در این صورت آنان دلیلی برای رشوه گرفتن نداشـتند و در اینجـا یک حقیقت ضمنی نیز وجود دارد که علی، نظر فرمانداران و والیان را به آن جلب می‌کند و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

آن اینکه: والی و فرماندار به خاطر حکمرانی حق ندارد که چیزی، ولو به اندازه ناهار یا شام، از مردم بگیرد، زیرا این سود و بهره برداری، اگر از راه ولایت و به خاطر حکومت به دست آید، به دزدی و رشوه خواری بیشتر شباهت دارد و بدون شک به کسی که اجازه داده نمی‌شود شام و ناهاری را به عنوان رشوه بخورد، قهراً اجازه داده نخواهد شد که شهری را غارت کند و یا نتیجه کوششوکار مردم را بچاپد و رشوه بگیرد!» (جرج جرداق، ۳۰۱/۱). رابعاً، نظارت مداوم و پنهانی از کار مدیران جامعه، فسادپذیری در ادارات و سازمان‌ها را به حداقل خواهد رسانید. از جمله مسائل مطروحه در یک حکومت دینی، در ارتباط با نظام بازرسی، این است که اسلام، بازرسان حکومت را به «عیون» یعنی چشم‌های حکومت تعبیر می‌کند: «وَ ابعَثِ العُیونَ مِن أهلِ الصِّدقِ وَ الوَفاءِ عَلَیهِم» (سیدرضی، نامه، ۵۳). که براستی بازرس وفا پیشه، چشم حکومت و حاکم اسلامی است. امام(ع) در نامه‌های مختلف به فرمانداران شهرها از جمله در نامه ۳، ۴۰، ۴۳، ۵۳ و ۷۱ سخن از «بَلَغَنی» (به من خبر رسیده) دارد که نشان می‌دهد امام(ع) به طور مداوم، رفتار کارگزاران و فرمانداران شهرها را زیر نظر داشته و در صورت ارتکاب جرم، نسبت به توبیخ آنان اقدام می‌نموده است. اگر این نظارت و بازرسی مخفیانه در یک حکومت دینی، از اولویت حکومت باشد، باعث می‌شود که تمام مأموران دولتی، از یک سو امانتداری و پرهیز از سوءاستفاده از مقام دولتی را پیشه خود سازند، و از سوی دیگر مهربانی و عطوفت با ارباب رجوع را سرلوحه خود قرار دهند. خامساً، مطالعه سیره امام‌علی(ع) نیز، مهمترین راهکار بازدارنده است. شیوه برخورد امام(ع) با فردی به نام «اشعث بن قیس» که شبانه به قول خودش برای امام(ع) هدیه آورده بود که امام(ع) آن را حادثه‌ای شگفت‌آور معرفی می‌کند و عمل او را چنان قبیح می‌شمارد و می‌فرماید: زنان بچه مرده بر تو بگریند. آیا از راه دین، وارد شدی که مرا بفریبی؟ یا عقلت آشفته شده، یا جن زده شده‌ای؟ یا هذیان می‌گویی؟ به خدا سوگند! اگر هفت اقلیم را با آن چه در زیر آسمان‌هاست به من بدهند، تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه‌ای به ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد»

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

(سیدرضی، خطبه، ۲۲۴). این شیوه و رفتار امام علی(ع) نسبت به مسئله رشوه‌خواری است که چقدر آن را پست‌تر و زشت‌تر می‌داند، و با بیان این که حتی کوچک‌ترین ظلم به موجودات هم، حساب و کتاب دارد به همه مدیران و کارگزاران جامعه می‌فهماند که مواظب رفتار و کردار خود در برابر حقوق مردم باشند. سیره امام(ع) در اعلام اموال و دارایی خود به مردم نیز در چهاره قرن قبل، الگویی برای مدیران جامعه است که وضعیّت مالی خود را هنگامقبول مسئولیت و هنگام خروج از آن اعلام نمایند که این امر، مسلماً تأثیرگذار بر سلامت مالی آنان خواهد بود که امام(ع) شفافیت مالی خود را این‌گونه به مردم اعلام نمود که: «من با این جامه‌های اندک و این بار و بنه و مرکب که می‌بینید به سرزمین شما پا نهادم، اگر بیش‌تر از آن چه به هنگام آمدن داشته‌ام، با خود ببرم به یقین از خیانتکارانم» (ابن شهر آشوب، ۹۸/۲).

۳-۲-۲-۲. راهکارهای مبارزه

شیوه برخورد امام علی(ع) با رشوه‌خواران و اختلاسگران زمان خود، وظیفه حاکمان و دولتمردان جامعه را مشخص کرده است. مدیران ارشد جامعه، پس از آگاهی از خیانت کارگزاران، باید طبق قانون با برخورد مناسب و قاطع با آنان، هم حکم الهی را اجرا نمایند و هم با این کار، رضایت و اعتماد عمومی را به ارکان حکومت بیشتر نمایند. با عنایت به تعالیم علوی، شیوه برخورد امام(ع) با پدیده‌های شوم رشوه‌خواری و اختلاس را می‌توان در چهار مرحله بیان نمود: اولین مرحله برخورد با آن‌ها، توبیخ بوده است. حضرت به دلیل اهمیتی که به سرنوشت مردم می‌دادند، و حساسیت خاص نسبت به افرادی که مسؤولیت جان و مال مردم را به عهده داشتند؛ دائماً اعمال کارگزاران را کنترل می‌کردند و با هشدار، آنها را از خیانت برحذر می‌داشتند. برخورد تند امام(ع) با یک فرد رشوه دهنده (سیدرضی، خطبه، ۲۲۴). و توبیخ فرمانداران خیانتکار که پیامد فسادشان را، خشم پروردگار، نافرمانی از امام و خیانت در امانت می‌دانست (همو، نامه، ۴۰ و ۴۳). درس عبرتی برای همه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

دولتمردان است که در مقابله با فساد اقتصادی تساهل و تسامح ننمایند. دومین مرحله، تهدید آنان بوده است. وقتی که به امام(ع) خبر رسید که جانشین فرماندار بصره، مرتکب خیانت در اموال شده است، او را این گونه خطاب تندی نمود که: «به راستی به خدا سوگند می خورم! اگر به من گزارش نمایند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده، و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی! (همو، نامه، ۲۰). سومین مرحله از اقدام امام(ع)، مجبور نمودن آنان به بازگرداندن اموال به غارت رفته به بیت‌المال مسلمین بود. امام(ع) چنین کاری را از استاندار مصر و تمام مسئولان ارشد می‌خواهد که اگر در ولایت آنان، مسئولی مرتکب خیانت در اموال شود ضمن مجازات او، اموال به غارت رفته را نیز از او باز پس گیرد» (همو، نامه، ۵۳). امام (ع) خود نیز، در این زمینه پیش قدم بود چنان‌که به امام گزارش دادند که یکی از فرماندارانش در بیت‌المال مردم خیانت کرده او را چنین مورد خطاب قرار داد: «از خدا بترس، و اموال آنان را باز گردان و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم کرد، که نزد خدا عذر خواه من باشد، و با شمشیری تو را می‌زنم که به هرکس زدم وارد دوزخ گردید. سوگند به خدا! اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا آن که حق را از آنان بازپس می‌ستاندم، و باطلی را که به ستم پدید آمده نابود می‌ساختم» (همو، نامه، ۴۱). مجازات و عزل مدیر خیانت‌پیشه و رشوه‌خوار، آخرین مرحله مبارزه با این مسئله است. هنگامی که به حضرت علی(ع) خبر می‌رسد که، «ابن هَرْمَه» از جانب «رفاعة بن شدّاد» مأمور نظارت بر بازار اهواز بوده خیانت کرده و از بازاریان، رشوه و باج گرفته است، آن حضرت به «رفاعه» نامه می‌نویسد و به او دستور می‌دهد: «ابن هرمه را از کار برکنار کن و به اطلاع مردم برسان و او را زندانی کن و اعلام نما: هر کسی شکایتی دارد، بیاید. و ضمناً برکناری او را به تمام کارگزارانت اعلام کن!» (نوری طبرسی، ۴۳۰/۱۷). امام(ع) چنین کاری را از استاندار مصر نیز، می‌خواهد که اگر کارگزاری خیانت نمود، ضمن کیفر او و باز پس‌گیری اموال، او را

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

خوار بدارد و طوق بدنامی را نیز به گردنش بیفکند (سیدرضی، نامه، ۵۳). امام(ع) وقتی یزیدبن حجیه تیمی را بر ری گماشت ولی او از مالیات آن‌جا ۳ هزار دینار کاست. حضرت به او نامه نوشت و او را طلبید و درباره آن مقدار پرسید و فرمود: «آن درآمدها کجاست؟ گفت: من چیزی نگرفتم. آن گاه او را تازیانه زد و زندانی نمود و سعد را بر آن‌جا گذارد» (ابن‌اثیر، ۱۸۶۵/۴). با تأمّل در سه نامه اخیر معلوم می‌شود که از منظر امام(ع) در مجازات رشوه‌خوار و اختلاسگر، سه مورد راباید در نظر داشت؛ اوّلاً، تنبیه بدنی، ثانیاً، برکناری او از مسئولیّت، و ثالثاً، اعلام خیانت و مجازات او به مردم، تا برای کارگزاران دیگر نیز، درس عبرتی باشد.

بر پایه داده‌های مطالب در زمینه شاخصه‌های اصلی دنیازدگی، شما کلی الگوی پیشنهاد شده در تطبیق موارد با اندیشه و سیره علوی در نهج‌البلاغه، در قالب نمودار ذیل ترسیم می‌گردد:

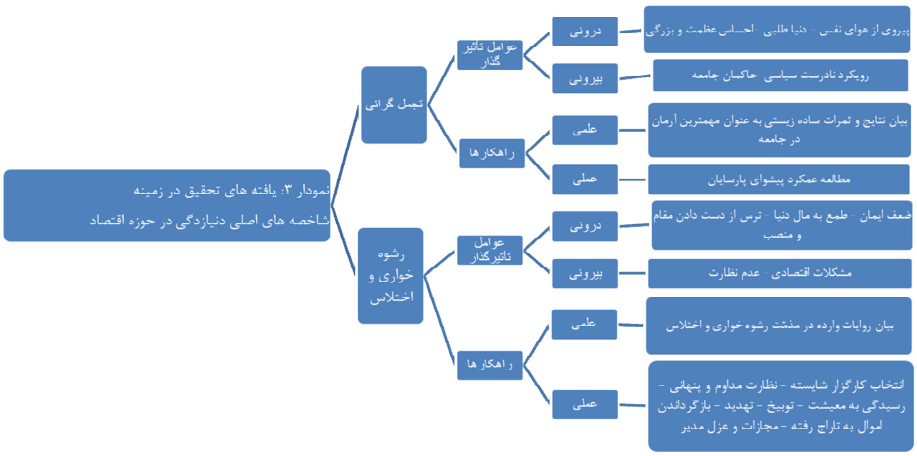

٤- نتایج مقاله

پژوهش حاضر، مسئله دنیازدگی مدیران و شاخصه‌های اصلی آن را، با استفاده از یک الگو و مدل اندیشه سیاسی مورد بررسی قرار داده است؛ یعنی ابتدا مشاهدهٔ بحران در جامعه و سپس شناخت عوامل به وجود آورندهٔ آن و در ادامه جایگزین نمودن یک آرمان در جامعه جهت حلّ مشکل به وجود آمده می‌باشد. بر اساس آن چه در این پژوهش، با تأمل در کلام امام(ع) در نهج‌البلاغه بدست آمد، مهم‌ترین بحران در حکومت علوی،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

دنیازدگی مدیران بوده است، و محتوای خطبه‌های امام(ع) به مردم و نامه‌های ایشان به فرمانداران آن عصر، این موضوع را به درستی اثبات می‌نماید. بر اساس اندیشه علوی، عواملی چون؛ فراموشی هدف از آفرینش، عدم شناخت دنیا و آخرت، و طمع ورزی به دنیا در بوجود آمدن دنیازدگی تأثیرگذار بوده و راهکارهای نجات از این بحران حکومتی، تلاش مدیران برای یک زندگی زاهدانه به عنوان یکی از آرمان‌های حکومتی بوده و الگو قرار دادن سیره زاهدانه علوی نیز، در نجات از این بحران تأثیرگذار می‌باشد. در اندیشه امام(ع) تجمل‌گرائی، رشوه‌خواری و اختلاس، شاخصه‌ها و زائیده‌های این درخت شوم دنیازدگی هستند که عواملی چون؛ ضعف ایمان، مشکلات اقتصادی مدیران و عدم نظارت بر عملکرد آنان، در پدید آمدن این آفات اقتصادی تأثیرگذار هستند، و آن‌چه که سبب می‌شود تا این بحران‌های فاجعه بار از جامعه اسلامی رخت بربندد، جایگزین نمودن ساده‌زیستی به جای تجمل‌گرائی و مبارزه بی‌امان با فساد سیاسی- اقتصادی به عنوان آرمان‌های حکومت در جامعه، و مطالعه عملکرد امام علی(ع) در دوران زمامداری و اساس قرار دادن زندگی ساده‌زیستانه و چگونگی مبارزه حضرت با فسادهای مالی می‌باشد. در منظومه فکری - سیاسی امام(ع)، انتخاب مدیران شایسته بر اساس ضابطه بر پست‌های حساس مدیریتی، و نظارت و بازرسی از عملکرد مدیران، مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری، نصحیت و توبیخ، تهدید، دستور به بازگرداندن اموال به غارت رفته و در نهایت عزل کارگزار خیانتکار از مناصب دولتی، از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با این پدیده‌های شوم رشوه‌خواری و اختلاس از بیت‌المال بوده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.

۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات. ۱۳۶۶.

۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد. معجم الفاظ غررالحکم و دررالکلم، تحقیق مصطفی درایتی، چاپ ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی. ۱۴۱۳ق.

۴. ابن ابی الحدید. شرح نهج البلاغه سیدرضی (ره)، تحقیق محمدابراهیم محمد ابوالفضل، داراحیاء الکتب‌العربیه. ۱۳۷۹.

۵. ابن ابی جمهور، محمدبن‌زین‌الدین، عوالی الثالی‌العزیزیه، قم: دارالسیدالشهداء. ۱۴۰۵ق.

۶. ابن أثیر، علی‌بن ابی‌کرم. الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر. ۱۴۰۸ق.

۷. ابن خلدون، عبدالرحمن. مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، (بی‌تا)، انتشارات علمی فرهنگی. ۱۳۶۹.

۸. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی. تحف العقول عن آل‌الرسول(ص)، ترجمه علی‌اکبر غفاری، تهران: کتاب فروشی اسلامیه. ۱۴۰۰ق.

۹. ابن‌شهر آشوب مازندرانی، محمدبن‌علی. مناقب آل‌ابی‌طالب، قم: انتشارات علامه. ۱۴۰۵ق.

۱۰. ابن فارس، احمد بن فارس. معجم مقاییس اللغة، محقق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب العلام الاسلامی. بی‌تا.

۱۱. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. الإمامة و السیاسة، محقق علی شیری، بیروت: دارالاضواء. ۱۴۱۰ق.

۱۲. اسپریگنز، توماس. فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، چاپ ۴، تهران: انتشارات آگاه. ۱۳۸۲.

۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی. جُمل من انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر. ۱۳۷۹ق.

۱۴. پهلوان‌فر، طاهره. «آسیب‌شناسی اخلاق اقتصادی در اندیشه و سیره امام علی (ع) با تأکید بر نهج‌البلاغه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما حامد شریعتی نیاسر، دانشگاه قرآن و حدیث (پردیس تهران). ۱۳۹۵.

۱۵. جبران مسعود. الرّائد، بیروت: دارالعلم الملایین. ۱۳۷۲.

۱۶. جرداق، جرج. امام علی(ع) صدای عدالت انسانی، ترجمه سیّدهادی خسروشاهی، چاپ ۲، تهران: انتشارات خرّم. ۱۳۷۵.

۱۷. جوهری، اسماعیل ین حماد. صحاح اللّغة، بیروت: دارالعلم للملایین. ۱۴۰۴ق.

۱۸. خوانساری، جمال‌الدین محمد. شرح غررالحکم و دُررالکلم آمدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۶۰.

۱۹. دلشاد تهرانی، مصطفی. دولت آفتاب: اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی(ع)، تهران: انتشارات دریا. ۱۳۷۹.

۲۰. دیلمی، حسن بن محمد. ارشادالقلوب، قم: الشریف الرضی. ۱۳۷۱.

۲۱. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین‌بن‌محمد. مفردات الفاظ قرآن، تحقیق صنوان عدنان داوودی، چاپ ۱ دمشق: انتشارات دارالقلم. ۱۴۱۲ ق.

۲۲. ریاض عبدالصاحب، زینب. «آسیب‌شناسی دنیازدگی از دیدگاه نهج‌البلاغه». پایان نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما دکتر سیدمحمد میردامادی. دانشگاه پیام نور. ۱۳۹۰.

۲۳. سیدرضی، محمدبن حسین، نهج‌البلاغه، به ترجمهٔ محمد دشتی، قم، بوستان کتاب، بی‌تا.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]

۲۴. شریفی، محمد و فائق، مجتبی؛ «آسیب‌شناسی اخلاقی کارگزاران حکومت دینی در نهج البلاغه»؛ پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال چهارم، شماره ۱۵. صص ۱۹-۱؛ ۱۳۹۵.

۲۵. طریحی، شیخ فخرالدین. مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۷۸ ق.

۲۶. غزالی، ابوحامدمحمد. احیاء علوم‌الدین، ترجمه محمد خوارزمی، (بی‌تا): علمی و فرهنگی. ۱۳۶۸.

۲۷. فتال نیشابوری، محمدبن احمد. روضة الواعظین، قم: الشریف الرضی. ۱۳۷۵.

۲۸. لیثی واسطی، علی بن محمد. عیون الحکم و المواعظ، قم: دارالحدیث. ۱۳۷۶.

۲۹. کلینی، محمدبن‌یعقوب. اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، قم: اسوه. ۱۳۷۲.

۳۰. متقی هندی، علی‌بن‌حسام. کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، محقق محمود عمر دمیاطی، بیروت: دارالکتب العلمیه. ۱۴۱۹ق.

۳۱. مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۹۷ ق.

۳۲. محمودی، محمدباقر. نهج‌السعاده، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۷۶.

۳۳. مکارم شیرازی، ناصر. پیام امام أمیرالمؤمنین، تهران: دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۹۰.

۳۴. موسوی خمینی، امام روح‌الله. شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). ۱۳۷۷.

۳۵. نراقی، ملا احمد. معراج السعاده، (چاپ سوم)، قم: انتشارات قائم آل محمد (ص). ۱۳۸۴.

۳۶. نوری طبرسی، حسین‌بن‌محمدتقی. مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت. ۱۴۰۸ق.

۳۷. هاشمی خوئی، میرزا حبیب‌اله. منهاج‌البراعه فی شرح نهج‌البلاغه، تهران: مکتب الاسلامیه. ۱۴۰۰ق.

۳۸. هس مر، ال.تی. اخلاق در مدیریت، ترجمه اعرابی و ایزدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. ۱۳۷۷.

۳۹. ورّام، مسعودبن‌عیسی. تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، قم: مکتبة الفقیه. بی‌تا.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.5.1]